

## آیت‌الله بروجردی ۱۶ سال زعامت حوزه علمیه قم را برعهده داشتند

۱۹ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۳۶

مرجع بزرگ تقلید شیعیان جهان حضرت آیت‌الله العظمی «سیدحسین بروجردی» ۱۳ شوال ۱۳۸۰ هجری قمری دار فانی را وداع گفت.

۱۰ فروردین ۱۳۴۰ مرجع بزرگ تقلید حضرت آیت‌الله العظمی "سیدحسین بروجردی" (۱۳۸۰ق) را وداع گفت.

آیت‌الله حاج سیدحسین طباطبائی از سلسله طباطبائیان بروجرد- علمای مشهور قرن چهاردهم هجری - در ۱۲۹۲ ق. در بروجرد متولد شد.

وی مقدمات علوم اسلامی را در همین شهر فرا گرفت و سپس به حوزه علمیه اصفهان سفر نمود و از محضر بزرگان این شهر استفاده کرد.

او فقه را نزد حاج سیدمحمد باقر درچه‌ای و فلسفه را نزد حاج میرزا جهانگیرخان قشقایی خواند و پس از ده سال راهی نجف اشرف شد و از درس آیات محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی و... بهره جست.

علیرغم این که آیت‌الله بروجردی در نجف مورد توجه علما بود، به اصرار پدرش به بروجرد بازگشت و مدت سی و شش سال در این شهر به فعالیت‌های علمی و اجتماعی مشغول شد.

فعالیت‌های عمیق و گسترده علمی و اجتماعی آیت‌الله بروجردی در بروجرد، توجه علما و مردم را در پی داشت و به تدریج از وی چهره‌ای مشهور ساخت.

او در این دوره سفرهایی به مکه، مشهد، نجف و... داشت، اما هر بار با اصرار مردم بروجرد به این شهر بازمی‌گشت. در ۱۲۶۴ ق. به دلیل بیماری و کسالت به تهران منتقل شد و پس از بهبود و با اصرار علما و بزرگان حوزه علمیه قم، در این شهر اقامت گزید و سرپرستی حوزه علمیه آن را بر عهده گرفت.

ورود ایشان به قم تحرك حوزه علمیه این شهر را در پی داشت. آیت الله بروجردی در قم فرصتی به دست آورد تا به معرفی شیعه در بعد جهانی بپردازد و دارالتقريب بين المذاهب را تاسيس کرد. گذشته از این، در کارنامه آیت الله بروجردی اقدامات برجسته‌ای از جمله احیای آثار مهم و گرانبهای علمای قدیم، تربیت طلاب و رونق دادن به حوزه علمیه، تحقیق و تألیف کتابهای متعدد علمی، ایجاد بنای مسجداعظم قم، ایجاد بنای کتابخانه مسجد اعظم، ایجاد مدرسه علمیه در نجف، ایجاد بنای مسجد هامبورگ در آلمان و ایجاد بنای بیمارستان نکوئی قم ثبت شده است.

در جلد دوم کتاب «نهضت روحانیون ایران» ضمن اشاره به گوشه‌هایی از سوابق مبارزاتی آیت الله بروجردی می‌نویسد: «اغلب مردم اطلاع ندارند که آیت الله بروجردی در قیام علمای اصفهان مورد تعقیب رضاخان واقع شد و پس از ماجرای قتل عام مسجد گوهرشاد و قیام آیت الله قمی، برضد پهلوی برخاست و چون دید که اعتراضش مورد توجه واقع نمی‌شود و مردم نیز آمادگی برای قیام ندارند ایران را با هدف اقامت در نجف اشرف ترک کرد و از طرف رضاخان در مرز خسروی بی احترامی هم دید.

آیت الله بروجردی پس از مدتی توقف در نجف اشرف صلاح را در این دید که پایگاه ایران رامانند آیت الله حائری در قم خالی نگذارد تا به سود رضاخان تمام شود و لذا به ایران بازگشت و در شهر خود بروجرد مانند سابق ماندگار شد و به تدریس علوم عقلی و نقلی و اداره امور مردم آن سامان و بسیاری از شهرهای دیگر به عنوان مرجع تقلید پرداخت.

پس از رحلت آیت الله حائری در سال ۱۳۱۵ شمسی، سه تن از فقهای بزرگ یعنی مرحومین آیت الله سید محمد بهجت، آیت الله حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت الله حاج صدرالدین صدر به مدت هشت سال حوزه علمیه قم را اداره کردند. که پنج سال آن در زمان رضاخان و سه سال دیگر در اوائل سلطنت محمدرضا و به هنگام اشغال ایران توسط قوای متفقین بود.

در سال ۱۳۲۳ شمسی آیت الله بروجردی که برای معالجه به تهران آمده بود، پس از بهبودی توسط بزرگان علمای حوزه علمیه قم، و قبل از همه امام خمینی به قم دعوت شدند. با آمدن ایشان به قم حوزه علمیه نضجی دیگر گرفت. به طوری که به صورت بزرگترین حوزه علمیه شیعه درآمد. تأثیر وجود آیت الله بروجردی در قم موجب شد که حوزه‌های علمی مشهد و تهران و اصفهان و شیراز و همدان و دیگر شهرهای ایران رونق گیرد و به تعلیم و تربیت طلاب و فضلا همت گمارد.

آیت الله بروجردی که به گفته خود در واقعه مشروطه از نزدیکان استادش مرحوم آیت الله آخوند خراسانی بود، به خوبی به یاد داشت که پس از رخنه‌آیادی بیگانه در امر مشروطه و شهادت شیخ فضل الله نوری، مرحوم آخوند چگونه از اقدامات خود پشیمان شده بود و لذا از دخالت در امور سیاسی که به گفته خودش سرخ آن در دست اجانب بود سخت هراس داشت. خود آن مرحوم می‌فرمود: از آن موقع که دیدم مرحوم استاد آخوند و مرحوم نائینی که آن همه زحمت در تاسیس و تداوم کار مشروطه متحمل شده بودند پس از شهادت حاج شیخ فضل الله و حوادث دیگر ملول و افسرده شده‌اند، حالت وسوسه‌ای برای من پیدا شده است که تا یک واقعه سیاسی پیش می‌آید از اقدام فوری حتی الامکان پرهیز می‌کنم مبادا کاری به زیان مسلمین انجام گیرد. خیلی‌ها به این وسوسه و اضطراب من در امر سیاست ایراد می‌گیرند، ولی من هم نمی‌توانم جز این رفتاری داشته باشم.

به هر حال محمدرضا پهلوی که در سال ۱۳۲۳ شمسی در بیمارستان فیروزآبادی به عیادت آیت الله بروجردی رفته بود، پس از اقامت آن مرحوم در قم و نضح گرفتن کارمرجعیت ایشان در ایران و دیگر ممالک اسلامی، چندین بار در قم نیز به خدمت آیت الله بروجردی رسید، و هر بار از آن مرحوم می‌خواست که هر امری دارند بفرمایند تا انجام دهد.

آیت الله بروجردی که می‌پنداشتند محمدرضا به عکس پدرش مردی فهمیده و نرم و احیاناً دارای عواطفی است (با تظاهرات ریاکارانه‌ای که شاه ضعیف آن روز می‌کرد) هر بار به وی فرموده بودند: «امور مربوط به روحانیت صرفاً بستگی به کمک مردم مسلمان دارد.» هر مقدار از آنها کمک کنند من هم رسیدگی و اداره می‌کنم، حتی شاه حاضر شده بود یک میلیون تومان از بابت فروش پنج ریال عوارض اضافی بلیت قطار قم! کمک به ساختمان مسجد اعظم قم کند ولی آیت الله بروجردی فرموده بود: «اگر هم این پول را از خودتان بدهید قبول نخواهم کرد مبادا فردا به نام «مسجد شاه» خوانده شود، و لذا حاضر به قبول هیچ گونه کمکی از طرف شاه و خاندان پهلوی نشدند (اسناد این مطلب موجود است و حتی منتشر شد).

آن مرحوم در عوض فرموده بودند: «به شاه بگویید آب قم شور و کم است. دستور دهد چند حلقه چاه عمیق حفر کنند و بعد هم شهر قم لوله‌کشی شود و سد رودخانه قم را تعمیر کنند که هیچکدام هم هزینه زیادی ندارد، و اینها بر اثر اقدامات آن مرحوم سرانجام عملی شد. آن هم بعد از بارها تذکر به دولت‌های وقت.

مرحوم آیت الله بروجردی چند سال قبل از این که رحلت کنند دیگر حاضر به پذیرش شاه نشدند. و هرچه قائم مقام رفیع و صدراشراف و دیگر رجال معمر مملکت واسطه شدند، سودی نبخشید. این نقار و کدورت تا پایان عمر آن مرحوم باقی ماند.

فراموش نمی‌کنم در یک جلسه خصوصی که آن مرحوم نویسنده این سطور را خواسته بودند و در خدمتشان بودم «صدر» فرماندار وقت قم تقاضا کرد که آیت الله بروجردی مطلبی را به شاه بگویند شاید به دستور ایشان عمل شود. (گویا راجع به لوله‌کشی قم بود) آیت الله بروجردی سخت برآشفتنند و فرمودند: «من دیگر کاری با شاه ندارم و یک کلمه خطاب به ایشان نخواهم گفت. من خیال می‌کردم ایشان عواطفی دارند و می‌شود تذکراتی به ایشان داد حال که بناست ترتیب اثر ندهد دیگر حرفی با ایشان ندارم» فرماندار گفت: «حضرت آیت الله! اجازه می‌فرمایید گزارش دهم، حضرت‌عالی از کارهای اعلیحضرت و دولتها ناراضی هستید؟» فرمودند: «بله، گزارش دهید! حتماً بگویید. من چه احتیاجی به شاه دارم؟ نه شاه و نه دولتها نمی‌خواهند کاری برای مملکت بشود، فقط سعی دارند جشنها بگیرند و دختران مردم را این روزها در این سرمای زمستان با لباس کوتاه در خیابان‌ها به عنوان جشن ۱۷ دی بگردانند، دیگر بس است! اصلاً در این مملکت چطور می‌شود زندگی کرد.

این واقعه در زمان دکتر اقبال بود. سه روز بعد، رژه دخترها که از قبل مقدماتش فراهم شده بود، موقوف شد. (البته در روزنامه‌ها نوشتند به خاطر سرما برنامه به هم خورده است) و لوله‌کشی قم هم عملی گردید، ولی دیگر ملاقاتی بین آن مرحوم و شاه انجام نگرفت.

تمام وقت آیت الله بروجردی صرف تدریس و اداره حوزه علمیه و تربیت اهل علم و تأسیس مؤسسات دینی در داخل و خارج مملکت می گردید. در نتیجه مانند آیت الله حائری پس از شانزده سال اقامت در قم و رهبری دنیای شیعه و اداره حوزه علمیه قم صدها کار دینی و هزاران دانشمند و مجتهد و فقیه اصولی و محدث و مفسر و مورخ و محقق و نویسنده و متفکر و فیلسوف و واعظ و سخنگوی دینی از حوزه درس و تربیتش برخاستند. «

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۷۷۴۶/آیت-الله-بروجردی-۱۶-برعامت-سال>